

## تعیین‌کننده‌های تمایل به مهاجرت جوانان استان خوزستان با تأکید

### بر توسعه صنعتی

\* رضا رستمی سرچقا      \*\* شهلا کاظمی پور      \*\*\* محمود مشفق

\* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

[rezarostami5000@gmail.com](mailto:rezarostami5000@gmail.com)

\*\* دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

[skazemipour@gmail.com](mailto:skazemipour@gmail.com)

\*\*\* دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

[moshfegh@atu.ac.ir](mailto:moshfegh@atu.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

### چکیده

مهاجرت و جابه‌جایی جمعیتی، نشان‌گر پویایی و تلاش انسان بوده و در کنار مرگ و میر و باروری یکی از سه مؤلفه اثرگذار بر رشد جمعیت‌های انسانی است. این پژوهش با هدف بررسی عوامل تعیین‌کننده مهاجرت در استان خوزستان با تأکید بر توسعه صنعتی انجام شده است و در این راستا، به مشخص کردن وضعیت و نحوه مهاجرت در استان صنعتی خوزستان پرداخته است. جامعه آماری مورد مطالعه پژوهش شامل مهاجران و غیر مهاجران استان خوزستان بر اساس داده‌های سرشماری و نمونه دو درصد در سال ۱۳۹۵ است. ماهیت این پژوهش از نوع تحقیق کمی و گذشته‌نگر بوده و روش تحلیل آن، به روش تحلیل ثانویه و توصیفی است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که میزان خالص مهاجرت همه شهرستان‌های استان خوزستان به غیر از یک شهرستان (باوی)، منفی می‌باشد. مقصد مهاجرتی قریب به ۴۴ درصد مهاجران، استان خوزستان بوده و حدود ۵۶ درصد دیگر مهاجران به سایر استان‌های کشور مهاجرت کرده‌اند. همچنین، شهرستان آبادان مهاجرت‌پذیرترین شهرستان این استان است. در ادامه، مهمترین مقصدهای مهاجرتی مهاجران استان خوزستان به ترتیب اصفهان، تهران و البرز هستند. مهمترین عوامل اثرگذار بر مهاجرتی استان خوزستان عوامل اقتصادی-صنعتی، بیکاری و در بین عوامل اجتماعی، متغیر جوانی جمعیت بوده است. رابطه بین متغیرهای مستقل با احتمال مهاجرت اعم از شهری یا روستائی بودن، شهرستان محل اقامت، نوع خانوار، رابطه با سرپرست خانوار، جنس، سن، وضع تاهل، نوع فعالیت، مدرک تحصیلی و داشتن یا نداشتن فرزند با احتمال مهاجرتی از استان خوزستان معنادار شد.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، مهاجرتی، عوامل اقتصادی-صنعتی، توسعه صنعتی، عوامل اجتماعی-فردی.

### نوع مقاله: علمی

#### ۱- مقدمه و طرح مساله

محلی است [۱]. کشور ایران در طول نیم قرن اخیر با تحولات و گذار جمعیتی زیادی از قبیل گذار بیماری و مرگ و میر، گذار باروری، گذار خانواده، گذار شهری و مهاجرتی مواجه بوده است. در این میان اهمیت گذار مهاجرتی و پویایی آن افزایش یافته و به مؤلفه بسیار مهم پویایی جمعیت ایران تبدیل شده است. ایران در طول این

مهاجرت، در کنار مرگ و میر و باروری یکی از سه مؤلفه اثرگذار بر رشد جمعیت‌های انسانی است که امروزه به دلیل ثبات نسبی در نرخ باروری و مرگ‌ومیر، نقش آن در تغییرات جمعیتی نسبت به دو مؤلفه دیگر برجسته‌تر شده است. علاوه بر آن، مهاجرت از مهم‌ترین منابع تأمین نیروی انسانی برای بازار کار و توسعه در سطح ملی و

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: شهلا کاظمی پور [Skazemipour@gmail.com](mailto:Skazemipour@gmail.com)

چرخ صنعت و اقتصاد ایران و بخش اعظم درآمد کشور (حدود ۸۰٪) از این استان تامین می‌شود. با توجه به اینکه این استان پتانسیل تبدیل شدن به قطب صنعتی کشور را دارد و همچنین برنامه ریزی مسولان کشور در این راستا بوده که توسعه صنعتی و کشاورزی در این استان بوقوع بپیوندد چگونه است که با گذشت چندین دهه هنوز به توسعه صنعتی و کشاورزی با وجود دارا بودن پتانسیل توسعه یافتگی به این هدف نرسیده است؟

از این رو، در پژوهش حاضر، عوامل تعیین‌کننده مهاجرفرستی استان خوزستان بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ با تاکید بر توسعه صنعتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بنا بر سرشماری سال ۹۵ استان خوزستان در زمره استان‌های مهاجر فرست کشور قرار دارد؛ اینکه این مهاجرت‌ها بیشتر کدام قشر اجتماعی را در بر می‌گیرد و هر قشری به چه عللی اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دست به مهاجرت می‌زند و چه پیامدهایی به دنبال دارد نیازمند بررسی جدی است. در مجموع این میزان از مهاجرت در جامعه‌ای چون استان خوزستان به لحاظ میزان و نرخ رشد آن یک مساله اجتماعی جدی است که نیاز به بررسی عمیق از زوایای مختلف دارد.

بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران جمعیت استان خوزستان سال ۸۵ برابر با ۴۲۷۴۹۷۹ نفر، سال ۹۰ برابر با ۴۵۳۱۷۲۰ نفر و سال ۹۵ جمعیت این استان ۴۷۱۰۵۰۹ نفر میباشد، همچنین طبق آمار مرکز ثبت احوال کشور آمار متولدین استان خوزستان در سال ۹۰ تعداد ۱۰۲۵۰۷ تولد، سال ۹۵ تعداد ۱۱۳۹۵۳ تولد میباشد، تعداد فوت شدگان سال ۹۰ تعداد ۲۱۲۲۲ فوتی و سال ۹۵ تعداد ۲۰۵۵۶ فوتی می‌باشد. با توجه به جدول ماتریس سال ۹۰، تعداد خالص مهاجرین وارد شده به استان ۶۰۵۲۱ نفر و تعداد مهاجرین خالص خارج شده یا برون کوچی استان ۱۱۴۴۹۳ نفر و ماتریس سال ۹۵، تعداد خالص مهاجرین وارد شده به استان ۵۳۶۳۲ نفر و تعداد مهاجرین خالص خارج شده یا برون کوچی استان ۱۳۵۴۹۱ نفر می‌باشد.

بر اساس داده‌های فوق نرخ مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان خوزستان شامل نرخ درون کوچی یا مهاجرپذیری ۱/۱۴ و در مقابل نرخ برون کوچی یا مهاجرفرستی ۲/۸۸ بوده است. بر همین اساس، روند

نیم قرن جابه‌جایی‌ها و حرکات مهاجرتی گسترده‌ای را در ابعاد داخلی تجربه کرده است. این جابجایی‌ها رشد جمعیت منطقه‌ای و نیز ساختار اجتماعی و جمعیتی را تحت تأثیر قرار داده است [۲]. از این‌رو، بررسی تحولات مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان‌های کشور از ضرورت و اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

مهاجرت نه تنها به عنوان یک پدیده، بلکه به عنوان یک فرایند (واقعه‌ای که اتفاق آن به دلیل بستر و موقعیتی است که مردم در آن زندگی می‌کنند) از عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشأت گرفته است. به این دلیل، علل و انگیزه‌های مهاجرت را می‌توان از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد [۳]. این خصوص، توجه به عوامل تأثیرگذار بر تحولات مهاجرتی در استان خوزستان از اهمیتی دو چندان برخوردار است. چرا که طی چهار دهه اخیر (از ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ به غیر از دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵) استان خوزستان جزو سه استان اول کشور به لحاظ مهاجرفرستی بوده است [۴].

خوزستان، سرزمین رودها و تمدن‌های کهن، منطقه نفت خیز جنوب و یکی از بزرگ‌ترین نمادهای توسعه صنعتی ایران، در طول تاریخ پر فراز و نشیب چندین هزار ساله خود بستر اتفاقات تلخ و شیرین زیادی بوده است. شرایط ویژه خوزستان، این استان را به شاه‌رگ حیاتی اقتصاد کشور تبدیل کرده است. بزرگ‌ترین میادین نفت و گاز خاورمیانه و جهان، صنایع پتروشیمی، تاسیسات فولاد و ذوب آهن، مزارع کشت و صنعت، دسترسی به آب‌های آزاد و بین‌المللی، رودخانه‌های پرآب کارون، کرخه، دز و ... همگی ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی هستند که در کمتر استانی از کشور نظیر آن را می‌توان یافت. پالایشگاه آبادان، مرکز صنایع پخش نفت و گاز خوزستان، پتروشیمی بندر امام، پتروشیمی ماهشهر، گروه ملی صنعتی فولاد ایران، شرکت فولاد خوزستان و سایر صنایع مانند کارخانه آرد اهواز و شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، تنها مثال‌هایی از صنایع بزرگ این استان هستند. صنایع کوچک و کارگاه‌های نجاری، آهنگری و ... متعددی نیز در این استان مشغول فعالیت هستند.

۱. در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به دلیل بازگشت مهاجرین جنگ تحمیلی، استان خوزستان مهاجرپذیر بوده است (هاشمی، ۱۴۰۰: ۱).



سوالی که در اینجا مطرح می‌باشد این است که وضعیت مهاجر فرستی استان خوزستان با توجه به شاخص‌های توسعه، توسعه انسانی، توسعه اقتصادی و اجتماعی، بیکاری و رشد جمعیت به چه صورت می‌باشد؟ و بر همین اساس مهمترین سؤالات ما به شرح ذیل است:

- ۱) وضعیت مهاجر فرستی در شهرستان های استان خوزستان طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ چگونه بوده است؟
- ۲) عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی چه رابطه ای با مهاجر فرستی شهرستان های استان دارند؟

## ۲- مبانی نظری

در باب مهاجرت نظریات گوناگون و در عین حال بی‌شماری بیان شده است، برخی نظریات بر عوامل مهاجرت نظیر کارکرد نظام اجتماعی و سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تاکید دارند، برخی به تأثیرات مهاجرت بر مقصد و مبدا و مهاجران تاکید کرده و برخی دیگر نظریات مربوط به توسعه یا عدم توسعه و اقدام به مهاجرت می‌باشد را مورد بررسی قرار داده‌اند. در میان نظریات مهاجرت برخی به اختصار ذکر می‌شود:

## ۳- نظریه کارکرد گرایان

تاکید این نظریه بیشتر بر دلایل یا عوامل ایجاد مهاجرت و همچنین اثرات ناشی از روند مهاجرت می‌باشد. بر اساس اعتقاد کارکرد گرایان هر فرد در جامعه یا نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، نیازهای اجتماعی دارد که هر زمان احساس کند در آن جامعه یا نظام اجتماعی برآورده نخواهد شد، بنابراین جهت برآوردن این نیازها اقدام به مهاجرت می‌نماید، به عبارتی این اقدام به مهاجرت جهت هماهنگی بین نیاز و امکان بدست آوردن آن نیاز می‌باشد و این عمل ممکن است از طرف فرد یا جامعه و یا هر دو آنها انجام گیرد. کارکرد گرایان مهاجرت را برای هر جامعه امری الزامی و مثبت می‌دانند، چرا که در روند مهاجرت از طرفی فرد مهاجر خود را با شرایط و تغییرات تطابق داده و از طرف دیگر امر مهاجرت جامعه را به حالت تعادل می‌رساند، بنابراین مهاجرت را امری مثبت تلقی می‌کنند که بواسطه آن جامعه از عدم تعادل رهایی یافته، همچنین فرد از آسیب‌های اجتماعی نجات یافته و برابری اجتماعی در جامعه برقرار می‌شود. علاوه بر دلایل مهاجرت، کارکرد گرایان اثرات مهاجرت را بر مقصد، مبدا مهاجرت و خود

مهاجر فرستی استان خوزستان در سال ۱۳۹۰ میزان ۲/۵۳ در هزار بوده که در سال ۹۵ به نرخ ۲/۸۸ در هزار رسیده است.

این استان از جنوب با خلیج فارس و از غرب با کشور عراق هم مرز است. استان‌های بوشهر در جنوب شرق، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری در شرق، لرستان و ایلام در شمال آن واقع شده‌اند. هم جوارری با استان‌های یاد شده تأثیر زیادی در خصوصیات فرهنگی، تاریخی و پیوند میان اقوام آن‌ها داشته است. این استان دارای ۲۷ شهرستان با نام‌های آبادان، آغاچاری، امیدیه، اندیکا، اندیمشک، اهواز، ایذه، باغملک، باوی، بندر ماهشهر، بهبهان، حمیدیه، خرمشهر، دزفول، دشت ازادگان، رامشیر، رامهرمز، شادگان، شوش، شوشتر، کارون، گتوند، لالی، مسجد سلیمان، هفتکل، هندیجان و هویزه بوده که هر یک دارای بخش‌های متعددی نیز هستند. طبق آخرین سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵ نفوس و مسکن جمعیت استان حدود ۴۷۱۰۵۰۹ نفر بوده است که بیش از ۶ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شود که از این تعداد، ۷۱ درصد در شهرها و ۲۹ درصد در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند. مهاجرت، پدیده‌ای رایج در استان خوزستان بوده و هست که در مقیاس‌های مختلف به ویژه بین استانی و درون استانی صورت می‌پذیرد [۵]. در این رابطه، چهار شهرستان این استان (مسجد سلیمان، ایذه، اندیمشک و باغملک) در مقایسه با سایر شهرستان‌های این استان نرخ مهاجر فرستی بالاتری دارند. مسجد سلیمان، یکی از شهرستان‌های استان خوزستان واقع در شمال این استان بوده که جمعیت آن در سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۱۳۴۱۹ نفر جمعیت داشته است. ایذه، شهرستان دیگری واقع در شرق مسجد سلیمان و شمال شرق استان خوزستان است که در سال ۱۳۹۵ ۱۹۸۸۷۱ نفر جمعیت داشته است. اندیمشک، شهرستان دیگری واقع در شمال غربی‌ترین نقطه استان خوزستان و در سمت چپ دزفول و بالای شوش قرار گرفته است. این شهرستان در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۷۱۴۱۲ نفر جمعیت بوده است. باغملک نیز، شهرستان دیگری در استان خوزستان است که جنوب ایذه، شمال رامهرمز و شرق استان خوزستان قرار دارد و جمعیت آن در سال ۱۳۹۵ برابر ۱۰۵۳۸۴ نفر بوده است [۶].

و نوعی عدم تعادل منطقه‌ای را به وجود می‌آورد. این امر، باعث مهاجرت و جابه‌جایی نیروی کار از مناطق روستایی محروم به سوی مناطق شهری پیشرفته می‌گردد.

«پل‌سینجر»<sup>۱</sup> یکی دیگر از نظریه‌پردازان این دیدگاه، دو مجموعه عوامل مربوط به مبدأ را که باعث مهاجرت می‌شوند از هم متمایز می‌کند، این دو مجموعه عبارتند از:

**الف) عوامل رکودی،** این عوامل زمانی رخ می‌دهد که جمعیت روستایی به دلیل بهبود نسبی وضع بهداشت و درمان، رشدی بیش از تولیدات کشاورزی داشته باشد و لذا نیروی کار اضافی به وجود می‌آید. این نیروی کار به علت نبود اشتغال در روستاها به سوی شهرها مهاجرت می‌نمایند.

**ب) عوامل تغییردهنده،** اما تغییردهنده موقعی موثرند که روش‌های تولید سرمایه‌داری مدرن در مناطق روستایی نفوذ کرده باشد و باعث تغییر شیوه‌ها و تکنیک‌های تولید گردد. در اینجا هدف، افزایش بهره‌وری کار از طریق صنایع سرمایه‌بر است و بنابراین تعداد شاغلین را کاهش داده، سبب مهاجرت نیروی کار اضافه موجود در روستاها می‌گردد.

به طور خلاصه در نظریات وابستگی، مهاجرت امری اجباری است که بر اساس عدم توسعه یک محیط (روستا) نسبت به محیط دیگر (شهر) و وابستگی غیر سرمایه‌داری به بخش سرمایه‌داری به وجود می‌آید و یک امر کاملاً استثماری و ادامه آن باعث گسترش هر چه بیشتر توسعه نیافتگی می‌گردد [۹].

#### ۵- نظریه مهاجرت مایکل تودارو

مایکل تودارو از صاحب‌نظران مسائل اقتصادی می‌باشد که با تاکید بر اقتصاد، مهاجرت در کشورهای جهان سوم را مورد بررسی قرار داده است. به نظر او مهاجرت پدیده‌ای اقتصادی بوده و فرد با بیکاری تصمیم به مهاجرت می‌گیرد [۱۰]. مهاجران با وجود آگاهی از میزان بالای بیکاری در شهرها و بدلیل درآمد پایین در روستا در مقایسه با دستمزد مورد انتظار در شهرها همچنان به مهاجرت روی می‌آورند، دستمزد مورد انتظار یعنی دستمزدی که فرد در شهر می‌تواند احتمالاً بدست بیاورد ضرب در فرصت‌هایی که برای بدست آوردن آن دستمزد دارد، مثلاً اگر فردی در روستا ماهیانه یک میلیون تومان درآمد دارد ولی در شهر می‌تواند ماهیانه دو

مهاجر نیز مورد بررسی قرار داده و اعتقاد دارند جامعه مقصد در ابتدا مهاجر را در خود جذب کرده و به مرور زمان مهاجر را با جامعه مقصد هماهنگ می‌سازد، و پس از مدتی فرد مهاجر را همچون دیگر افراد جامعه و تطبیق او با ویژگی‌های آن سیستم یا نظام می‌پذیرد [۷].

#### ۴- نظریه وابستگی یا عدم توسعه

این مدل در دیدگاه تضاد یکی از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی تبیین مسائل اجتماعی نضج گرفت. در دیدگاه تضاد جامعه عرصه تضادها و مبارزات طبقاتی است و متغیرهایی مانند روابط حاکمیت، تقسیم کار، توزیع نابرابر امکانات اقتصادی و تغییرات و دگرگونی‌های اساسی (انقلاب‌ها) مورد بحث قرار می‌گیرند. در دیدگاه تضاد تبیین پدیده‌ها و مسائل اجتماعی در مقیاس کلان (نظام‌های سیاسی اجتماعی) است.

بنابراین در تعیین فرایند مهاجرت، لازم است نخست به مسئله عدم توسعه توجه نمود، زیرا در این راستا است که روابط نابرابر ساختی و مکانی بین بخش‌های مختلف جامعه مد نظر قرار می‌گیرد. این نظریه پردازان توسعه نیافتگی را عامل اصلی مهاجرت در نظر گرفته و با توجه به همین عامل، مهاجرت را مورد بررسی قرار می‌دهند. به اعتقاد آنها مهاجرت و توسعه نابرابر باهم در ارتباط هستند، به عبارتی عدم توسعه عامل مهاجرت می‌باشد و هر چه این توسعه نیافتگی شدت داشته باشد به همان میزان مهاجرت نیز افزایش می‌یابد، فراوانی مشاغل در شهرها و دیگر جاذبه‌های شهر و عوامل دافعه مبداء، شهرها را به مامنی رویایی برای روستاییان بیکار تبدیل کرده و آنان را به مهاجرت ترغیب می‌سازد، بنابراین مهاجرت معلول توسعه نابرابر بوده و از جهتی همین مهاجرت باعث گسترش نابرابری می‌شود، با توجه به همین امر باید در بحث مهاجرت به عامل توسعه یافتگی توجه نمود و در بخش‌های هر جامعه نابرابری‌های مکانی و ساختی آن جامعه را در نظر گرفت [۸].

یکی از ایده‌های مطرح شده در این دیدگاه روابط مرکز پیرامون، در امر توسعه کشورهای توسعه نیافته است که توسط «سمیرا امین» ارائه شده است. کشورهای سرمایه‌داری وضعیت مسلط (مرکز) و کشورهای توسعه نیافته وضعیت تحت سلطه (پیرامون) را دارند. این وضعیت در ساختار داخلی کشورها نیز تأثیر گذاشته و سبب به وجود آوردن قطب‌های پیشرفته و توسعه نیافته سرمایه‌داری (معمولاً در شهرها) و مناطق توسعه نیافته (معمولاً روستاها) گشته است

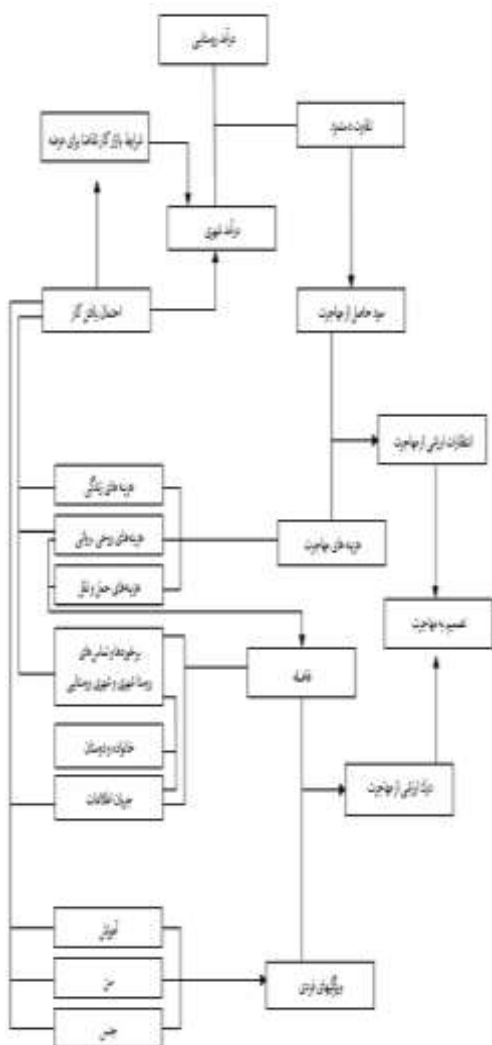
1. Paul Singer





شکل ۱. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مهاجرت از دیدگاه پائول شاو [۱۳].

شفر<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) نیز، دلایل و عوامل مهاجرت را به صورت مدل زیر نشان داده است [۱۴].



شکل ۲. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مهاجرت از دیدگاه شفر [۱۴].

راجان<sup>۳</sup> (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای به مطالعه تأثیر کووید-۱۹ بر مهاجرت داخلی، بازارهای کار و شهرنشینی در هندوستان

میلیون و پانصد هزار تومان درآمد داشته باشد و ضریب بیکاری در شهر بیست درصد باشد یعنی از هر ده نفر هشت نفر می‌توانند کار پیدا کنند، بنابراین درآمد مورد انتظار هشت دهم در آمد شهر یعنی از دو میلیون و پانصد هزار تومان، دو میلیون تومان بدست می‌آورد، پس مهاجرت امری منطقی و به صرفه برای آنان در نظر می‌آید و اقدام به مهاجرت صورت می‌گیرد و تا زمانی که ضریب بیکاری در شهر افزایش زیادی نیابد این مهاجرت همچنان ادامه می‌یابد [۱۱].

### ۶- نظریه‌های اقتصادی جاذبه و دافعه

نظریه‌های اولیه در باب تحرکات جغرافیایی انسان به نام مدل های جاذبه و دافعه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ارائه گردید، در این مدل‌ها نظریه پردازان عمدتاً به دو دسته تقسیم می‌شوند، دسته اول که تأکید آنها بر عوامل دافعه مبداء می‌باشد و دسته دوم که بر عوامل جاذبه در مقصد تأکید دارند. این نظریه پردازان معتقدند که عوامل اقتصادی نامناسب یا به عبارتی دافعه یک نقطه یا مکان جغرافیایی باعث می‌شود افراد آن منطقه یا مکان را به قصد دست یابی به شرایط بهتر ترک نموده و به مهاجرت دست بزنند بنابراین دست یابی به شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر دلیل مهاجرت عنوان می‌شود [۱۱].

### ۷- مبانی تجربی تحقیق

مقالات و کتاب‌های زیادی در باب مهاجرت وجود دارد که از بیان دوباره آنها خودداری می‌کنیم اما مطالعات و پژوهش‌های متعددی در زمینه مهاجرت ارائه شده بطوریکه این تحقیقات تا حدود زیادی بر یافته‌های تجربی حاکم است که نشان می‌دهند چگونه شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر مهاجرت تأثیرگذار هستند. در این قسمت، به اختصار چند نمونه از مطالعاتی که در این حوزه صورت گرفته بیان می‌گردد. پائول شاو<sup>۱</sup> (۱۹۷۵)، به طور کلی انتظارات و توقعات مطابق با شیوه زندگی را به عنوان عامل مهاجرت مطرح نموده است هر چند وی به طور مشخص بیان نکرده است که منظور وی از توقعات چیست و چه عواملی توقعات افراد را در خصوص مهاجرت پوشش می‌دهند، ولی مدلی به صورت شکل زیر ارائه نموده است [۱۲].

2. Shefer  
3. Rajan

1. Paul Shaw

مهاجرت در مقطع تحصیلات دانشگاهی و عالی نیز، به طور روزافزونی در حال افزایش است و مطالعات نشان می‌دهد که بین تحرک اجتماعی که یکی از پارامترهای مهم آن ارتقاء سطح تحصیلات است و تحرک مکانی و مهاجرت همبستگی وجود دارد [۱۷].

در خصوص روند مهاجرت نیز مطالعاتی وجود دارد که روند پژوهی مهاجرت استان کردستان یکی از آنهاست. رحیمی، واعظی و باکویی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای به بررسی و تحلیل روند مهاجرت و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان هریس پرداخته‌اند. در این پژوهش چنین بیان شده که در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، مهاجرت از روستا و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ در زمره مهم‌ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی قرار دارد. در شهرستان هریس نیز میزان این مهاجرت‌ها در سالیان اخیر افزایش قابل توجهی داشته است و در همین راستا، این تحقیق به بررسی و تحلیل وضعیت مهاجرت و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان هریس پرداخته است. روش این پژوهش تحلیلی-توصیفی است و برای بررسی و تحلیل موضوع از اطلاعات میزان مهاجرت در سرشماری‌های عمومی و اطلاعات خانه‌های بهداشت و مراکز بهداشتی-درمانی بهره گرفته شده است. همچنین، برای ارزیابی وضعیت و عوامل اصلی مهاجرت از روش‌های کمی (تحلیل عاملی اکتشافی) استفاده شده است. نتایج این ارزیابی حاکی از آن است که شهرستان هریس مهاجرفرستی شدیدی را در بین شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی داشته است. به گونه‌ای که خالص مهاجرتی این شهرستان در دو دهه گذشته از ۶۰۱۲- نفر در دوره ۱۰ ساله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، به حدود ۱۲۳۶- نفر در دوره ۵ ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ و ۳۵۸۹- نفر از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ رسیده است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان‌دهنده این است که عامل اقتصادی با مقدار ویژه ۴/۵۱ به تنهایی قادر است ۲۸/۶۴٪ واریانس را تبیین کرده و بیشترین تأثیر را در مهاجرت از این شهرستان داشته است و بعد از آن به ترتیب، عامل فرهنگی اجتماعی، عامل طبیعی و زیست‌محیطی و اداری و خدماتی، بیشترین تأثیر را داشته است. با توجه با آمار و ارقام، میزان مهاجرت‌ها به مرور زمان بیشتر شده که در صورت عدم برنامه‌ریزی مناسب، باعث مشکلات زیادی در سطح شهرستان و شهرهای مقصد خواهد شد.

پرداخته است. در این پژوهش چنین بیان شده که پاندمی کووید-۱۹ در سطح جهانی، معضلات و نابسامانی‌های اقتصادی گسترده‌ای ایجاد کرده است. هندوستان از جمله کشورهایی است که به شدت با این بیماری به چالش کشیده شده است. قرنطینه و تعطیلی فعالیت‌های اقتصادی، باعث از دست رفتن درآمد بسیاری از کارگران مهاجر در شهرها و به ویژه کارگران روز مزد شد. این مسئله در کنار هزینه بالای زندگی در شهرها، باعث بازگشت بسیاری از مهاجران داخلی که از مبدأ روستا به مقصد شهرها مهاجرت کرده بودند، به مبدأ مهاجرت خود بازگردند. به این ترتیب، نرخ شهرنشینی در این کشور، با شیب بسیار ملایم در حال کاهش است.

استوارز، سنדר و سولاک<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای به مطالعه علل و پیامدهای مهاجرت داخلی در کشور آلمان پرداخته‌اند. این پژوهش به روش توصیفی پیمایشی انجام شده و داده‌های آن با آزمون رگرسیون تجزیه و تحلیل شده است. طبق یافته‌های این پژوهش، عوامل اقتصادی و دستیابی به شغل و درآمد پایدار و مطلوب، از علل عمده مهاجرت‌های داخلی در کشور آلمان به ویژه مهاجرت از مبدأ روستا به مقصد شهرهای بزرگ است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که افزایش قیمت مسکن در شهرهای بزرگ آلمان، باعث کاهش نرخ مهاجرت داخلی در این کشور به ویژه مهاجرت روستا شهری شده است. افزایش قیمت مسکن شهری همچنین، منجر به شکل‌گیری روند مهاجرت معکوس از جوامع شهری بزرگ و کلان‌شهرها به سمت روستاها و شهرهای کوچک با هزینه زندگی پایین‌تر شده است.

عدم وجود هماهنگی بین بخش‌های کلان، میانی و خرد، فقدان اراده سیاسی لازم برای اجرای طرح‌های آمایش سرزمین و عدم پایش برنامه‌های آمایش سرزمین و توزیع فضایی جمعیت نیز، از دیگر عوامل دخیل در شکل‌گیری مهاجرت‌های داخلی هستند [۱۵].

در باب عوامل مؤثر بر مهاجرت باید گفت امروزه، حجم جابجایی‌های جمعیتی ناشی از گسترش وسایل ارتباطی، تأثیر آن‌ها بر مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر را تشدید کرده است [۱۶].

1. Stawars, Sander & Sulak

تبدیل شدن آب رودخانه‌ها به یک کالای استراتژیک قدرت و ... به چالش‌های مهم پیش روی کشورهای این منطقه تبدیل شده است.

شقایق حیدری (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر عوامل (شوکه‌های) اقلیمی بر مهاجرت داخلی در ایران» معتقد است مسئله گرمایش جهانی و تغییرات اقلیمی به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید زیست‌محیطی در محافل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مطرح است که پیامدهایی چون گرم شدن زمین، کمبود بارندگی، بروز خشک‌سالی، سیل یا طوفان و کمبود آب و مواد غذایی را به دنبال دارد و منجر به آوارگی و بی‌خانمانی، بیکاری، فقر، درگیری بر سر منابع و ناامنی و درنهایت منجر به مهاجرت برنامه ریزی نشده می‌گردد.

در ادامه، برخی مطالعات به نسبت میان مهاجرت و توسعه پرداخته‌اند؛ به طوری که فرامرزیان (۱۳۹۳) در رساله‌ای با عنوان رابطه مهاجرت و شاخص‌های توسعه بر اساس سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به بررسی این متغیرها پرداخته است. این تحقیق نشان می‌دهد که مهاجرت‌های داخلی در سطح کلان بر اثر نابرابری‌های مکانی ناشی از نابرابری شاخص‌های توسعه بوده و در سطح خرد این مهاجرت‌ها بر اثر تصمیمات فردی و رفع نیازهای زندگی فردی می‌باشد، بعبارتی هدف این پژوهش نشان دادن اهمیت شاخص‌های توسعه بر میزان مهاجرت‌های داخلی می‌باشد، نتایج نشان می‌دهند که شاخص‌های توسعه بیشترین و قدرتمندترین عوامل مهاجرپذیری هر استان بوده است و چنانچه هر استانی از مولفه‌های توسعه نظیر اشتغال و تحصیلات بیشتر بهره‌مند است در نتیجه میزان مهاجرپذیری آن استان نیز بیشتر می‌باشد.

همچنین قاسمی اردهائی و حسینی راد (۱۳۸۸) در مطالعه (سیاست‌های مهاجرت روستا - شهر و ضرورت آن با تاکید بر ایران) با استناد به داده‌های سرشماری سال‌های ۳۵ تا ۸۵ سیاست‌های مهاجرتی روستا - شهر را مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سیاست‌های مهاجرت روستا - شهر به مثابه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای جامعه ایران مطرح است. سیاست‌های مهاجرت روستا - شهر در دو دسته، سیاست‌های مستقیم و غیر مستقیم قرار می‌گیرد. بر اساس ارزشیابی‌های انجام شده، سیاست‌های پیشین در این ارتباط هر یک به گونه‌ای ناکام مانده‌اند. بررسی

همچنین آقایی هیر و حکیمی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای به مطالعه و تحلیل شبکه مهاجرت‌های بین استانی در ایران (۹۰-۱۳۸۵) پرداخته‌اند. در این پژوهش، با عنایت به روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و با استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، به تحلیل شبکه و تحلیل شاخه درختی مهاجرت‌های بین استانی پرداخته شده است. نتایج تحلیل‌های انجام یافته به صورت نمودارهای تحلیلی ارائه شده و حاکی از وجود چند خوشه اصلی در مهاجرت‌های بین استانی است که با میزان جریان متفاوتی شکل گرفته و در نهایت، به شاخه اصلی (استان‌های تهران و البرز) می‌پیوندند. بعلاوه، برخی استان‌ها توانسته‌اند نقش منطقه‌ای قابل توجهی در جذب مهاجر از استان‌های همجوار ایفا نمایند که شامل استان‌های البرز، اصفهان، آذربایجان شرقی، بوشهر و خراسان رضوی است.

ولی الله رستمعلی زاده (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «مروری بر مهاجرت‌های داخلی در ایران با تأکید بر عوامل زیست محیطی» معتقد است مهاجرت داخلی همواره با فرایند توسعه در درون کشورها اتفاق می‌افتد. افراد از مناطق با توسعه پایین و وضعیت اقتصادی و معیشتی و اجتماعی پایین تر به سمت مناطق با توسعه بالا و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بهتر حرکت می‌کنند. در این میان یکی از عوامل مهاجرت در ایران تأثیرات زیست محیطی است که به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران و قرار گرفتن کوه‌های زاگراس و البرز در مسیر حرکت ابرهای باران زا زمینه خشکسالی در مناطق مرکزی ایران را فراهم می‌نماید.

سروش فرشچین (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «مخاطرات و مهاجرت‌های زیست محیطی (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان)» معتقد است بحران آب، وجود ریزگرد و کیفیت هوا، تخریب منابع طبیعی و محیط‌زیست، کاهش بارندگی و ... به صورت عام جزو مخاطرات زیست محیطی قلمداد می‌شوند که از یک سو به عواملی چون گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی در سطح فراملی و توسعه ناپایدار در سطح ملی مربوط می‌شود. نگرانی‌های زیست‌محیطی در حوزه خاورمیانه از این قانده مستثنی نیست و چه بسا با شدت بیشتری در حال وقوع است. به طوری که عواملی چون شدت تغییرات اقلیمی در مناطق خشک، افزایش جمعیت، تغییر در الگوی زندگی،

می‌گیرند. نامساعد بودن شرایط آب و هوایی، وضعیت امنیت اجتماعی در خیابان‌ها و مراکز عمومی، وضعیت خدمات بهداشتی و درمانی و وضعیت امکانات مربوط به گذران اوقات فراغت به ترتیب به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های عوامل اقلیمی جغرافیایی، امنیتی، خدماتی رفاهی و اجتماعی فرهنگی در مهاجرت از استان خوزستان اثرگذار هستند. این نتایج نشان دهنده اهمیت عوامل دافعه استان خوزستان نسبت به عوامل کششی استان‌های دیگر در نزد ساکنان این استان است [۱۸].

#### ۸- نقد و بررسی مبانی تجربی

بارانی (۱۳۹۹)، در پژوهش خود بیان کرده که مجموعه‌ای از عوامل زیست محیطی نظیر خشکسالی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن، اعم از بیکاری در مناطق روستایی، درآمد ناچیز در روستاها و فقر روستاییان از مهم‌ترین دلایل بروز مهاجرت روستا شهری به ویژه در روستاهای مرزی کشور در شرایط اقلیمی گرم و خشک است. رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) نیز، عوامل اقتصادی را به عنوان مهم‌ترین محرکه‌های مهاجرت بین استانی قلمداد کرده و بعد از آن، مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی اجتماعی، عامل طبیعی و زیست محیطی و اداری و خدماتی را پیش‌بینی کننده مهاجرت بین استانی در ایران می‌داند. جهان مهین و کریمی (۱۳۹۷)، همچون بارانی (۱۳۹۹)، وجود خشکسالی و تنگناهای زیست‌محیطی را عامل اصلی مهاجرت دانسته که به طور مستقیم (سختی‌ها و دشواری‌های زندگی در محیط کم‌آب) و غیر مستقیم (اثرگذاری بر اشتغال و درآمد، وضعیت اقتصادی، توان اقتصادی برای تأمین امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی- درمانی و...) منجر به افزایش مهاجرت داخلی به ویژه از مناطق کم آب مرکزی و شرقی، به سمت مناطق شمالی و غربی می‌شود. آقاپاری هیر و حکیمی (۱۳۹۶)، روند مهاجرت‌های بین استانی در ایران را مطالعه کرده و چند خوشه اصلی را در این زمینه شناسایی کردند که همگی به شاخه اصلی (استان‌های تهران و البرز) خاتمه می‌یابند؛ بدین معنا که مهاجران از هر نقطه کشور حرکت کرده و پله پله به سوی این دو استان جریان می‌یابند. در پژوهش مهدویان و اسفندیاری (۱۳۹۵)، عوامل اقتصادی و معیشتی، به عنوان مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به مهاجرت‌های داخلی به ویژه مهاجرت‌های روستا شهری

ریشه‌های عدم موفقیت سیاست‌های مهاجرت روستا - شهر نشان می‌دهد که در تدوین این سیاست‌ها، باید به حقوق افراد، ابعاد اجتماعی و زیست محیطی، نوع و علل مهاجرت و هماهنگی سیاست‌های مهاجرتی با سایر سیاست‌های حکومتی توجه شود.

در این میان یافته‌های پژوهش‌های متعدد در راستای شناسایی عوامل اثرگذار بر تمایل به مهاجرت از استان خوزستان حاکی از آن است که در بین عوامل پنج‌گانه شناسایی شده، عامل اقتصادی بیشترین تأثیر را دارد.

همچنین، در میان مؤلفه‌های اقتصادی، ضریب تأثیر بیکاری بر تمایل به مهاجرت از شهرها و روستاهای این استان بیشتر از سایر مؤلفه‌ها می‌باشد. به عبارتی ضریب این متغیر نشان می‌دهد که بیکاری در استان خوزستان از فاکتورهای اصلی اثرگذار بر مهاجرت از این استان محسوب می‌شود [۱۸].

شهبیری (۱۳۹۶) و رفیعی و همکاران (۱۳۹۶) نیز، در پژوهش‌ها و مطالعات جداگانه پیرامون علل مهاجرت درون و برون استانی خوزستان نشان داده‌اند که انگیزه اصلی اکثر مهاجرت‌های درون و برون استانی در استان خوزستان، جستجوی کار یا کار بهتر بوده است. همچنین بر اساس نتایج سرشماری مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، علل جستجوی کار و جستجوی کار بهتر، تأثیرگذارتر از علل دیگر بر مهاجرت از استان خوزستان به سایر نقاط کشور بوده است.

اثرگذاری عامل اقتصادی و خصوصاً بیکاری و درآمد پایین بر تمایل به مهاجرت افراد از استان خوزستان به سایر نقاط کشور، دال بر تأیید نظریه مهاجرتی نئوکلاسیک است که بر تفاوت در دستمزدها و شرایط اشتغال بین مناطق تأکید می‌کند و در کل، حرکت‌های مهاجرتی را یک تصمیم فردی و عقلایی می‌داند که با هدف حداکثرسازی درآمد انجام می‌گیرد. همین عامل منجر به مهاجرت از نواحی با درآمد پایین به نواحی با درآمد بالا می‌شود که در آن فرد بهره‌ورتر و دارای دستمزد بالاتر است؛ بنابراین عوامل مؤثر بر مهاجرت استان خوزستان با نظریه مهاجرتی نئوکلاسیک در یک راستا است.

همچنین، عوامل اقلیمی جغرافیایی و امنیتی به ترتیب بعد از عامل اقتصادی بیشترین تأثیر را بر مهاجرت از استان خوزستان داشته‌اند و عوامل خدماتی رفاهی و اجتماعی فرهنگی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار



همانگی سیاست‌های مهاجرتی با سایر سیاست‌های حکومتی توجه شود. در تحقیق مشفق و احمدی (۱۳۸۵)، مطالعه در مورد کارگران مهاجر و نحوه آسیب‌پذیری این مهاجران پرداخته شده است، در تحقیق کاظمی‌پور (۱۳۸۵)، به این نتیجه رسیده که بیشترین عامل دافعه مبداء کمبود تسهیلات رفاهی و تفریحی بوده و عامل بعدی که باعث گرایش به سکونت در شهر تهران شده تجربه اقامت در تهران بوده است، شبکه مهاجرت در نظر او کم اثر ترین مورد بر مهاجرت یا تمایل به مهاجرت را دارد و هزینه‌های مهاجرت نیز عامل دوم و باز دارنده در مهاجرت محسوب می‌شود.

در تحقیق عطاء الهی (۱۳۸۳)، مانند تحقیق قبلی عامل جاذبه مقصد خیلی اثرگذار بوده و عوامل بعدی در اولویت‌های کمتری قرار داشتند. وی با اشاره بر عوامل جاذبه مقصد و دافعه مبداء همچنین عوامل شخصی تاکید خود بر عوامل جاذبه را نشان می‌دهد. در تحقیق احمدی (۱۳۸۳) نیز، عوامل محیطی تاثیر زیادی بر مهاجرت دارد و به عوامل فردی هم اشاره کرده که بین متغیرهای مستقل روانشناختی افراد و میزان وابستگی به خویشاوندان از قبل مهاجرت کرده و گرایش به مهاجرت رابطه معنی‌داری وجود دارد. و متغیر های دیگر در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند.

راجان (۲۰۲۱)، معتقد است که مشکلات اقتصادی و معیشتی بزرگ‌ترین عوامل ایجاد انگیزه مهاجرت است. در این پژوهش، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی گریبان‌گیر جوامع امروزی نظیر قرنطینه ناشی از پاندمی کووید-۱۹ و تعطیلی فعالیت‌های اقتصادی، به عنوان عامل اصلی پیدایش موج مهاجرت معکوس از شهرهای بزرگ به سوی شهرها و روستاهای کمتر توسعه یافته، معرفی شده است. چرا که این مسئله باعث از دست رفتن درآمد بسیاری از کارگران مهاجر در شهرها و به ویژه کارگران روز مزد شده و در کنار هزینه بالای زندگی در شهرها، باعث بازگشت بسیاری از مهاجران داخلی که از مبدأ روستا به مقصد شهرها مهاجرت کرده بودند، به مبدأ مهاجرت خود بازگردند. استاوارز و همکاران (۲۰۲۱) نیز، عوامل اقتصادی و دستیابی به شغل و درآمد پایدار و مطلوب را از علل عمده مهاجرت‌های داخلی به ویژه از نوع روستا شهری دانسته‌اند. هرا و بدر (۲۰۱۲) نیز، معتقدند که مهاجرت با بیکاری رابطه داشته و هر چه بیکاری بیشتر

شناسایی شده و توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال و حتی کمک‌های مالی نظیر پرداخت یارانه‌های نقدی، به عنوان راهکارهای کاهش مهاجرت داخلی پیشنهاد شده است. در تحقیق فرامرزیان (۱۳۹۳)، نشان می‌دهد که شاخصهای توسعه بر میزان مهاجرت‌های داخلی اهمیت بسزایی دارند و اثر این شاخصهای توسعه بیشترین تاثیر را بر مهاجرپذیری هر استان دارند و استان‌های که از مولفه‌های توسعه نظیر اشتغال و تحصیلات بیشتر بهره‌مند است در نتیجه مهاجرپذیرتر می‌باشند. طیفوری و همکاران (۱۳۹۲) نیز، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، آموزشی و اجتماعی را به عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر مهاجرت‌های بین استانی کشور معرفی کرده‌اند که منجر به مهاجرت به ویژه در قشر جوان با هدف دستیابی به شغل و درآمد بالاتر، تحصیل و دریافت امکانات آموزش عالی، و یا زندگی در محیط توسعه‌یافته‌تر، می‌گردد. در تحقیق میرزامصطفی و قاسمی (۱۳۹۲)، عوامل مؤثر بر مهاجرت بین استانی کشور در قالب یک مدل جاذبه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و مطلوبیت ویژگی‌های جمعیتی مقصد، پایین بودن نرخ بیکاری، فاصله جغرافیایی کمتر تا مرکز کشور و پایتخت، همسایگی و نزدیکی به امکانات، تولید ناخالص داخلی و... به عنوان عوامل جذاب شهر مقصد معرفی شده که جمعیت مهاجر را از مبدأ کمتر توسعه یافته به سوی این مقاصد جذب می‌کند. در تحقیق پناهی و پیشرو (۱۳۹۰)، مشخص می‌شود که در این تحقیق عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش کلیدی در مهاجرت جوانان روستایی به شهر را دارند، همچنین عوامل اقتصادی نیز در مراحل بعدی و کمتری تاثیرگذار بوده‌اند. شمس‌الدینی و گرجیان (۱۳۸۹) نیز، مجموعه‌ای از عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و طبیعی را به عنوان محرکه‌های اساسی مهاجرت‌های داخلی به ویژه از نوع روستا شهری، معرفی کرده‌اند. مشفق (۱۳۸۹)، در مطالعه مهاجرت‌های داخلی و روند تحولات آن در کشور بیان کرده که این دسته از مهاجرت‌ها در گذشته نسبت به حال از شدت بیشتری برخوردار بوده‌اند. در تحقیق قاسمی اردهائی و حسینی راد (۱۳۸۸)، نشان می‌دهد که سیاست‌های مهاجرت روستا - شهر در دو دسته، سیاست‌های مستقیم و غیرمستقیم قرار می‌گیرد و این سیاست‌های ناکام مانده‌اند و باید به حقوق افراد، ابعاد اجتماعی و زیست محیطی، نوع و علل مهاجرت و

ثانویه انجام گرفته است. استفاده از داده‌های خام دو درصد سرشماری‌های ۱۳۹۵ مرکز آمار به همراه روش‌های پیمایشی می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش را کلیه مهاجران استان خوزستان در فاصله سال ۹۰ تا ۹۵ اقدام به مهاجرت نموده و یا محل سکونت خود را تغییر داده‌اند تشکیل می‌دهند. در این تحقیق جامعه آماری شامل تمام مهاجرین استان خوزستان «مهاجر پذیر و مهاجر فرست» در فاصله سال ۹۰ تا ۹۵ می‌باشند.

#### ۱۰- یافته‌ها

وضعیت مهاجرفرستی شهرستان‌های استان خوزستان طبق اطلاعات گردآوری و دسته‌بندی شده، میزان خالص مهاجرت شهرستان‌های استان خوزستان در سال ۱۳۹۵ به شرح جدول زیر است:

در نتیجه مهاجرت بیشتر بوده است. لامونیکا (۲۰۱۰) نیز، معتقد است متغیر اقتصادی نسبت به دیگر متغیرها تاثیر بیشتری بر مهاجرت دارد. لور و همکاران معتقد هستند عوامل تاثیرگذار بر مهاجرت را عواملی همچون جمعیت، میزان درآمد و عوامل جغرافیایی میدانند، دیوید کاری بر عوامل اقتصادی تاکید دارد و معتقد است افراد بخاطر امکانات بهتر از روستایی به روستایی با امکانات بهتر یا بالاتر مهاجرت میکنند، اندرسون دلیل مهاجرت به شهر را فقر در روستا میدانند، دی دهان نیز عامل معیشت را دلیل مهاجرت می‌پندارد که خود دلیل توسعه نا برابر می‌شود. در کل می‌توان گفت که عامل جاذبه مقصد و دافعه مبدا بیشترین تاثیر را در تصمیم‌گیری برای مهاجرت دارند و در این بین، عوامل اقتصادی نظیر اشتغال و کسب درآمد بستر، بزرگ‌ترین جاذبه و بیکاری و فقر، بزرگ‌ترین دافعه در مکان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست هستند.

#### ۹- روش پژوهش

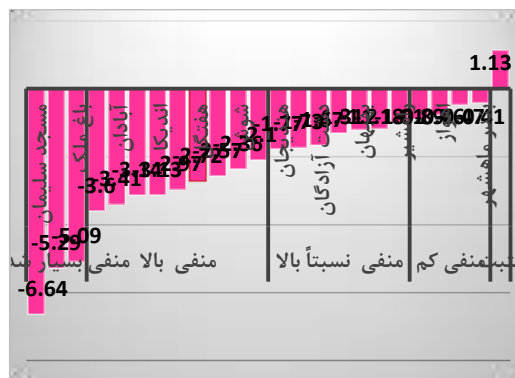
با توجه به انواع پارادایم روشناسی در علوم اجتماعی، پژوهش حاضر از نوع کمی می‌باشد و به روش تحلیل

جدول ۱. میزان خالص مهاجرت شهرستان‌های استان خوزستان (۱۳۹۵)

میزان خالص مهاجرتی	جمعیت ۱۳۹۵	واردشدگان	خارج شدگان	شهرستان	سطح خالص مهاجرت
-۶/۶۴	۱۱۳۴۱۹	۲۷۶۷	۱۰۲۹۶	مسجد سلیمان	منفی بسیار شدید
-۵/۲۹	۱۹۸۸۷۱	۲۸۵۷	۱۳۳۶۹	ایذه	
-۵/۰۹	۱۰۵۳۸۴	۱۲۰۶	۶۵۷۰	باغ ملک	
-۳/۶۰	۳۷۹۶۳	۳۸۷	۱۷۵۲	لالی	منفی بالا
-۳/۴۱	۲۹۸۰۹۰	۷۳۳۸	۱۷۵۱۰	آبادان	
-۳/۱۴	۱۷۰۹۷۶	۳۶۵۳	۹۰۲۷	خرمشهر	
-۳/۱۳	۴۷۶۲۹	۲۸۵	۱۷۷۸	اندیکا	
-۲/۹۷	۱۹۲۰۲۸	۴۴۶۳	۱۰۱۵۷	شوشتر	
-۲/۷۲	۲۲۱۱۹	۵۱۷	۱۱۱۹	هفتگل	
-۲/۵۷	۱۷۱۴۱۲	۶۵۸۹	۱۰۹۹۹	اندیمشک	
-۲/۳۶	۲۰۵۷۲۰	۱۸۷۴	۶۷۲۳	شوش	
-۲/۱۰	۱۳۸۴۸۰	۳۸۱	۳۲۹۶	شادگان	
-۱/۷۷	۳۸۷۶۲	۷۴۵	۱۴۳۰	هندیجان	منفی نسبتاً بالا
-۱/۷۳	۶۵۴۶۸	۱۴۳۳	۲۵۶۴	گتوند	

-۱/۶۷	۱۰۷۹۸۹	۵۳۹	۲۳۴۰	دشت آزادگان	
-۱/۳۱	۹۲۳۳۵	۴۰۲۳	۵۲۳۵	امیدیه	
-۱/۲۰	۱۹۸۲۴۷	۷۰۳۷	۹۴۱۹	بهبهان	
-۱/۱۸	۱۱۳۷۷۶	۳۹۶۲	۵۳۰۷	رامهرمز	
-۱/۰۱	۵۴۰۰۴	۱۳۱۹	۱۸۶۳	رامشیر	
-۰/۸۹	۳۸۸۸۶	۳۳۲	۶۷۹	هویزه	منفی کم
-۰/۷۶	۱۴۶۲۲۲۵	۵۰۶۲۱	۶۱۶۶۳	اهواز	
-۰/۴۷	۴۴۳۹۷۱	۱۴۲۰۶	۱۶۳۱۴	دزفول	
-۰/۴۱	۲۹۶۲۷۱	۱۱۷۰۰	۱۲۹۲۵	بندر ماهشهر	
۱/۱۳	۹۶۴۸۴	۲۰۳۹	۹۵۰	باوئ	مثبت

نمودار ۱. میزان خالص مهاجرت شهرستان‌های استان خوزستان در سال ۱۳۹۵ را به تصویر کشیده است:



نمودار ۱. میزان خالص مهاجرت شهرستان‌های استان خوزستان (۱۳۹۵)

میزان مهاجرپذیری شهرستان‌های استان خوزستان در سال ۱۳۹۵ در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲. میزان مهاجرپذیری شهرستان‌های استان خوزستان (۱۳۹۵)

شهرستان	واردشدگان	جمعیت سال ۱۳۹۵	میزان مهاجرپذیری
آبادان	۷۳۳۸	۲۹۸۰۹۰	۲/۴۸
اندیمشک	۶۵۸۹	۱۷۱۴۱۲	۳/۸۴
اهواز	۵۰۶۲۱	۱۴۶۲۲۲۵	۳/۴۶
ایذه	۲۸۵۷	۱۹۸۸۷۱	۱/۴۴
بندر ماهشهر	۱۱۷۰۰	۲۹۶۲۷۱	۳/۹۵
بهبهان	۷۰۳۷	۱۹۸۲۴۷	۳/۵۵
خرمشهر	۳۶۵۳	۱۷۰۹۷۶	۲/۱۴

طبق اطلاعات جدول ۱، میزان خالص مهاجرت همه شهرستان‌های استان خوزستان به غیر از یک شهرستان (باوئ)، منفی می‌باشد. در بین شهرستان‌های این استان، سه شهرستان (مسجد سلیمان، ایذه، باغ ملک) دارای میزان خالص مهاجرت منفی بسیار شدید هستند؛ نه شهرستان (لالی، آبادان، خرمشهر، اندیکا، شوشتر، هفتکل، اندیمشک، شوش، شادگان) دارای میزان خالص مهاجرت منفی بالا هستند؛ هفت شهرستان (هندیجان، گتوند، دشت آزادگان، امیدیه، بهبهان، رامهرمز، رامشیر) دارای میزان خالص مهاجرت منفی نسبتاً بالا هستند؛ چهار شهرستان (هویزه، اهواز، دزفول، بندر ماهشهر) دارای میزان خالص مهاجرت منفی کم هستند و تنها در شهرستان باوئ میزان خالص مهاجرت مثبت است.

۳/۲۰	۴۴۳۹۷۱	۱۴۲۰۶	دزفول
۰/۵۰	۱۰۷۹۸۹	۵۳۹	دشت آزادگان
۳/۴۸	۱۱۳۷۷۶	۳۹۶۲	رامهرمز
۰/۲۸	۱۳۸۴۸۰	۳۸۱	شادگان
۲/۳۲	۱۹۲۰۲۸	۴۴۶۳	شوشتر
۲/۴۴	۱۱۳۴۱۹	۲۷۶۷	مسجد سلیمان
۰/۹۱	۲۰۵۷۲۰	۱۸۷۴	شوش
۱/۱۴	۱۰۵۳۸۴	۱۲۰۶	باغ ملک
۴/۳۶	۹۲۳۳۵	۴۰۲۳	امیدیه
۱/۰۲	۳۷۹۶۳	۳۸۷	لالی
۱/۹۲	۳۸۷۶۲	۷۴۵	هندیجان
۲/۴۴	۵۴۰۰۴	۱۳۱۹	رامشیر
۲/۱۹	۶۵۴۶۸	۱۴۳۳	گتوند
۰/۶۰	۴۷۶۲۹	۲۸۵	اندیکا
۲/۳۴	۲۲۱۱۹	۵۱۷	هفتگل
۰/۸۵	۳۸۸۸۶	۳۳۲	هویزه
۲/۱۱	۹۶۴۸۴	۲۰۳۹	باوی

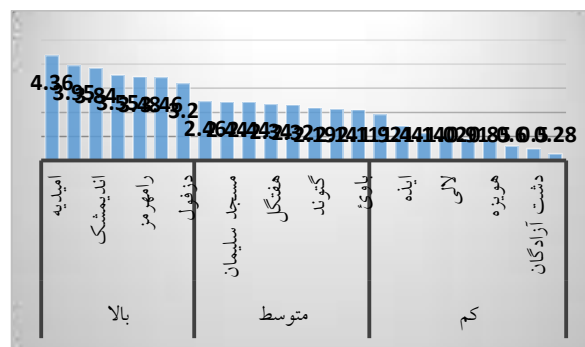
بر اساس نمودار ۲، میزان مهاجرپذیری در شهرستان‌های امیدیه، بندر ماهشهر، اندیمشک، بهبهان، رامهرمز، اهواز و دزفول در سطح بالا، میزان مهاجرپذیری شهرستان‌های آبادان، مسجد سلیمان، رامشیر، هفتگل، شوشتر، گتوند، خرمشهر و باوی در سطح متوسط و میزان مهاجرپذیری شهرستان‌های هندیجان، ایذه، باغ ملک، لالی، شوش، هویزه، اندیکا، دشت آزادگان و شادگان در سطح کم می‌باشد.

میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های استان خوزستان در سال ۱۳۹۵ در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۳. میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های استان

خوزستان (۱۳۹۵)			
شهرستان	خارج شدگان	جمعیت سال ۱۳۹۵	میزان مهاجرفرستی
آبادان	۱۷۵۱۰	۲۹۸۰۹۰	۵/۸۷
اندیمشک	۱۰۹۹۹	۱۷۱۴۱۲	۶/۴۲
اهواز	۶۱۶۶۳	۱۴۶۲۲۲۵	۴/۲۲

طبق اطلاعات مندرج در جدول ۲، بیشترین میزان مهاجرپذیری متعلق به شهرستان امیدیه (۴/۳۶) و کمترین میزان مهاجرپذیری متعلق به شهرستان شادگان (۰/۲۸) می‌باشد. این شهرستان‌ها را بر اساس میزان مهاجرپذیری می‌توان در سه دسته مهاجرپذیری کم (۰ تا ۲)، مهاجرپذیری متوسط (۲ تا ۳) و مهاجرپذیری بالا (۳ تا ۵) سطح‌بندی نمود. نمودار ۲، سطح‌بندی میزان مهاجرپذیری شهرستان‌های استان خوزستان در سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد:



نمودار ۲. سطح‌بندی میزان مهاجرپذیری شهرستان‌های استان خوزستان (۱۳۹۵)



بر اساس نمودار ۳، میزان مهاجرفرستی در شهرستان‌های مسجد سلیمان، ایذه، اندیمشک و باغ ملک در سطح خیلی زیاد، میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های آبادان، امیدیه، شوشتر، خرمشهر، هفتگل، بهبهان، راهرمز، لالی، بندر ماهشهر، اهواز، گتوند، اندیکا، هندیجان، دزفول، رامشیر و شوش در سطح زیاد و میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های شادگان، دشت آزادگان، هویزه و باوی در سطح متوسط می‌باشد.

مهاجران استان خوزستان مقاصد متفاوتی را برای مهاجرت خود انتخاب کرده‌اند. جدول ۴، توزیع فراوانی و درصدی مهاجران استان خوزستان بر حسب مقصد مهاجرت در سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد:

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصدی مهاجران استان خوزستان بر حسب مقصد مهاجرت (۱۳۹۵)

ردیف	مقصد مهاجرت	فراوانی	درصد
۱	خوزستان	۱۰۵۳۹۵	۴۳/۸
۲	اصفهان	۲۹۸۰۷	۱۲/۴
۳	تهران	۲۲۶۴۵	۹/۴
۴	البرز	۱۱۶۸۸	۴/۹
۵	فارس	۹۷۲۴	۴/۰
۶	بوشهر	۷۳۳۵	۳/۰
۷	لرستان	۶۶۸۷	۲/۸
۸	قم	۵۷۶۲	۲/۴
۹	یزد	۵۶۸۶	۲/۴
۱۰	رضوی	۵۴۲۹	۲/۳
۱۱	کرمانشاه	۳۳۸۰	۱/۴
۱۲	چهارمحال	۳۳۵۰	۱/۴
۱۳	هرمزگان	۳۰۹۸	۱/۳
۱۴	مرکزی	۲۸۶۱	۱/۲
۱۵	کهگیلویه	۲۷۷۴	۱/۲
۱۶	ایلام	۲۳۰۸	۱/۰
۱۷	همدان	۲۲۷۶	۰/۹
۱۸	مازندران	۱۴۸۰	۰/۶
۱۹	گیلان	۱۳۱۸	۰/۵
۲۰	کرمان	۱۱۸۷	۰/۵
۲۱	کردستان	۱۱۱۱	۰/۵
۲۲	سیستان	۹۱۷	۰/۴
۲۳	سمنان	۸۶۹	۰/۴
۲۴	شرقی	۷۶۲	۰/۳
۲۵	غربی	۷۳۷	۰/۳
۲۶	قزوین	۶۸۱	۰/۳
۲۷	گلستان	۴۶۷	۰/۲
۲۸	زنجان	۳۷۶	۰/۲

ایذه	۱۳۳۶۹	۱۹۸۸۷۱	۶/۷۲
بندر ماهشهر	۱۲۹۲۵	۲۹۶۲۷۱	۴/۳۶
بهبهان	۹۴۱۹	۱۹۸۲۴۷	۴/۷۵
خرمشهر	۹۰۲۷	۱۷۰۹۷۶	۵/۲۸
دزفول	۱۶۳۱۴	۴۴۳۹۷۱	۳/۶۷
دشت	۲۳۴۰	۱۰۷۹۸۹	۲/۱۷
آزادگان	۵۳۰۷	۱۱۳۷۷۶	۴/۶۶
رامهرمز	۳۲۹۶	۱۳۸۴۸۰	۲/۳۸
شادگان	۱۰۱۵۷	۱۹۲۰۲۸	۵/۲۹
شوشتر	۱۰۲۹۶	۱۱۳۴۱۹	۹/۰۸
مسجد سلیمان	۶۷۲۳	۲۰۵۷۲۰	۳/۲۷
شوش	۶۵۷۰	۱۰۵۳۸۴	۶/۲۳
باغ ملک	۵۲۳۵	۹۲۳۳۵	۵/۶۷
امیدیه	۱۷۵۲	۳۷۹۶۳	۴/۶۲
لالی	۱۴۳۰	۳۸۷۶۲	۳/۶۹
هندیجان	۱۸۶۳	۵۴۰۰۴	۳/۴۵
رامشیر	۲۵۶۴	۶۵۴۶۸	۳/۹۲
گتوند	۱۷۷۸	۴۷۶۲۹	۳/۷۳
اندیکا	۱۱۱۹	۲۲۱۱۹	۵/۰۶
هفتگل	۶۷۹	۳۸۸۸۶	۱/۷۵
هویزه	۹۵۰	۹۶۴۸۴	۰/۹۸
باوی			

طبق اطلاعات مندرج در جدول ۳، بیشترین میزان مهاجرفرستی متعلق به شهرستان مسجد سلیمان (۹/۰۸) و کمترین میزان مهاجرفرستی متعلق به شهرستان باوی (۰/۹۸) می‌باشد. این شهرستان‌ها را بر اساس میزان مهاجرفرستی می‌توان در سه دسته مهاجرفرستی متوسط (۰ تا ۳)، مهاجرفرستی زیاد (۳ تا ۶) و مهاجرفرستی خیلی زیاد (۶ تا ۱۰) سطح‌بندی نمود.

نمودار ۳، سطح‌بندی میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های استان خوزستان در سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد:



نمودار ۳. سطح‌بندی میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های استان خوزستان (۱۳۹۵)

سیستان و بلوچستان	۴	۰/۱۰
زنجان	۴	۰/۱۰
سمنان	۴	۰/۱۰
خراسان شمالی	۴	۰/۱۰
جمع	۴۱۱۷	۱۰۰

جنوبی	۲۷۳	۰/۱	۲۹
خراسان شمالی	۲۵۸	۰/۱	۳۰
اردبیل	۲۴۵	۰/۱	۳۱
جمع	۲۴۰۸۸۶	۱۰۰	۳۲

طبق اطلاعات جدول ۵، بیشترین تعداد و درصد فراوانی متعلق به استان خوزستان (۴۳/۸۹٪) و کمترین تعداد و درصد فراوانی متعلق به استان‌های آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، زنجان، سمنان و خراسان شمالی (هر یک ۰/۱۰٪) می‌باشد.

مهاجران خارج شده از استان خوزستان، از مبدأهای متفاوتی مهاجرت کرده‌اند. جدول ۶، شهرستان‌های مبدأ مهاجران خارج شده از استان خوزستان را بر حسب تعداد و درصد فراوانی نشان می‌دهد:

جدول ۶. شهرستان‌های مبدأ مهاجران خارج شده از

استان خوزستان (۱۳۹۵)		
شهرستان مبدأ	تعداد	درصد
آبادان	۸۲۴	۲۰/۰
اهواز	۷۰۵	۱۷/۱
اندیمشک	۴۱۴	۱۰/۱
امیدیه	۳۰۱	۷/۳
بندر ماهشهر	۲۷۵	۶/۷
دزفول	۲۴۷	۶/۰
خرمشهر	۲۲۲	۵/۴
شوشتر	۱۹۳	۴/۷
ایده	۱۸۴	۴/۵
بهبهان	۱۷۷	۴/۳
رامهرمز	۱۰۹	۲/۶
شوش	۸۹	۲/۲
دشت آزادگان	۶۵	۱/۶
باغ ملک	۵۲	۱/۳
گتوند	۴۶	۱/۱
مسجدسلیمان	۴۱	۱/۰
شادگان	۳۴	۰/۸
لالی	۲۹	۰/۷
باوی	۲۲	۰/۵
هندیجان	۱۸	۰/۴
هفتگل	۱۶	۰/۴
اندیکا	۱۳	۰/۳
آغاچاری	۱۲	۰/۳
رامشیر	۱۱	۰/۳
کارون	۱۱	۰/۳
حمیدیه	۵	۰/۱

طبق اطلاعات جدول ۴، مقصد مهاجرتی قریب به ۴۴ درصد مهاجران استان خوزستان بوده و حدود ۵۶ درصد دیگر مهاجران به سایر استان‌های کشور مهاجرت کرده‌اند. بعد از استان خوزستان، استان اصفهان پرتکرارترین مقصد (۱۲/۴٪) و استان‌های اردبیل، خراسان شمالی و جنوبی کم‌تکرارترین مقاصد (هر یک ۰/۱٪) انتخاب شده توسط مهاجران استان خوزستان بوده‌اند.

جدول ۵، مقاصد مهاجرتی مهاجران خارج شده از استان خوزستان در سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد:

جدول ۵. مقاصد مهاجرتی مهاجران خارج شده از استان

خوزستان (۱۳۹۵)		
استان	تعداد	درصد
خوزستان	۱۸۰۷	۴۳/۸۹
اصفهان	۵۳۶	۱۳/۰۲
تهران	۴۴۲	۱۰/۷۴
البرز	۲۴۱	۵/۸۵
فارس	۱۵۲	۳/۶۹
یوشهر	۱۳۰	۳/۱۶
قم	۱۲۷	۳/۰۸
یزد	۸۷	۲/۱۱
لرستان	۸۵	۲/۰۶
خراسان رضوی	۸۱	۱/۹۷
چهارمحال و بختیاری	۵۸	۱/۴۱
مرکزی	۵۴	۱/۳۱
همدان	۳۶	۰/۸۷
کرمانشاه	۳۵	۰/۸۵
گیلان	۳۳	۰/۸۰
مازندران	۳۳	۰/۸۰
کهگیلویه و بویر احمد	۳۳	۰/۸۰
هرمزگان	۳۳	۰/۸۰
کردستان	۲۱	۰/۵۱
ایلام	۱۷	۰/۴۱
کرمان	۱۶	۰/۳۹
قزوین	۱۲	۰/۲۹
آذربایجان شرقی	۸	۰/۱۹
گلستان	۸	۰/۱۹
اردبیل	۷	۰/۱۷
خراسان جنوبی	۵	۰/۱۲
آذربایجان غربی	۴	۰/۱۰

هویزه	۲	۰/۰
جمع	۴۱۱۷	۱۰۰

همدان است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان راهمهرمز به مهاجرت به کهگیلویه و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به شیراز است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان شادگان به مهاجرت به قم و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به اصفهان است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان شوش به مهاجرت به دهلران و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به تهران است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان شوشتر به مهاجرت به اصفهان و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به لنجان است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان گتوند به مهاجرت به کوهرنگ و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به قم است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان لالی به مهاجرت به کوهرنگ و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به فریدون‌شهر است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان مسجد سلیمان به مهاجرت به اصفهان و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به بروجن است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان هفتگل به مهاجرت به اصفهان و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به لردگان است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان هندیجان به مهاجرت به کهگیلویه و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به دلفان است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان هویزه به مهاجرت به قم و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به خرم‌آباد است.

در خصوص تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مهاجرفرستی در استان خوزستان میتوان گفت در بین علل مهاجرت‌های استان علت پیروی از خانوار درصد بالایی را به خود اختصاص داده و همچنین علت در جستجوی کار نیز درصد بالایی را شامل میشود و این در حالی است که متاسفانه شهرستانهای اهواز، بندر ماهشهر، آبادان و... که هرکدام قطب صنعتی و پتروشیمی منطقه و حتی کشور می باشند، در غفلت مسئولان همچنان شاهد مهاجرت ساکنان این شهرستانها بعلت بیکاری هستند. در ادامه، به بهره‌گیری از آزمون رگرسیون، اثرگذاری عوامل مختلف بر مهاجرفرستی شهرستان‌های استان خوزستان، مورد آزمون و تحلیل قرار می‌گیرد.

#### جدول ۷ خلاصه مدل

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین	خطای معیار
		تعیین	تعدیل شده	تخمین
۱	۰/۷۱۰	۰/۵۰۴	۰/۱۸۶	۱/۵۷۱۳۷

بر اساس اطلاعات جدول ۶، شهرستان آبادان پرتکرارترین (۲۰/۰٪) مبدأ مهاجرتی مهاجران استان خوزستان بوده و شهرستان هویزه کم‌تکرارترین (۰/۰٪) مبدأ مهاجران استان خوزستان می‌باشد.

مقاصد مهاجرتی یادشده در فوق، هر یک از اولویت متفاوتی برای مهاجران مبدأهای مهاجرتی مختلف برخوردارند. بیشترین تمایل مهاجران شهرستان امیدیه به مهاجرت به بهمئی و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به گچساران است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان اندیکا به مهاجرت به کوهرنگ و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به لنجان است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان اندیمشک به مهاجرت به خرم‌آباد و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به کرج است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان اهواز به مهاجرت به تهران و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به شاهین‌شهر و میمه است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان ایذه به مهاجرت به اصفهان و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به لنجان است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان آبادان به مهاجرت به شیراز و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به یزد است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان باغ ملک به مهاجرت به کهگیلویه و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به تهران است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان باوی به مهاجرت به اصفهان و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به بروجرد است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان بندر ماهشهر به مهاجرت به تهران و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به بهمئی است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان بهبهان به مهاجرت به بهمئی و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به بویراحمد است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان خرمشهر به مهاجرت به تهران و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به کرج است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان دزفول به مهاجرت به تهران و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به کرج است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان دشت ازادگان به مهاجرت به اردبیل و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به بندرعباس است؛ بیشترین تمایل مهاجران شهرستان رامشیر به مهاجرت به تهران و کمترین تمایل ایشان به مهاجرت به

خاص خود را دارد. دور شدن از زادگاه خویش به اختیار و یا اجبار، می‌تواند دلایل اقتصادی یا سیاسی و اجتماعی داشته باشد. پژوهش حاضر به مطالعه و بررسی پدیده مهاجرت در استان خوزستان و علل آن پرداخته است. مهاجرت و جابجایی جمعیت یکی از عوامل مهم اثرگذار بر تغییرات جمعیتی است که خود، تحت تأثیر عوامل متعددی شکل گرفته و نشانگر پویایی انسان است. این پژوهش با هدف مشخص کردن وضعیت و نحوه مهاجرت در استان خوزستان، محاسبه میزان خالص مهاجرت این استان بر اساس آخرین سرشماری‌های انجام شده طی دهه‌های اخیر و بررسی انگیزه‌ها و علل مهاجرت‌های بین استانی در این استان انجام شده است. ساختار پژوهش مبتنی بر پنج فصل بوده که طی آن به ترتیب، کلیات پژوهش، ادبیات و مبانی نظری و پیشینه تحقیق، روش‌شناسی تحقیق، تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه شده است. فصل پیش رو، آخرین فصل این پژوهش بوده و به بحث پیرامون یافته‌ها، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها کاربردی و پژوهشی مبتنی بر دستاوردهای تحقیق، می‌پردازد.

دستاوردهای پژوهش حاکی از آن است که میزان خالص مهاجرت همه شهرستان‌های استان خوزستان به غیر از یک شهرستان (باوی)، منفی می‌باشد. در بین شهرستان‌های این استان، سه شهرستان (مسجد سلیمان، ایذه، باغ ملک) دارای میزان خالص مهاجرت منفی بسیار شدید هستند؛ نه شهرستان (لالی، آبادان، خرمشهر، اندیکا، شوشتر، هفتگل، اندیمشک، شوش، شادگان) دارای میزان خالص مهاجرت منفی بالا هستند؛ هفت شهرستان (هندیجان، گتوند، دشت آزادگان، امیدیه، بهبهان، رامهرمز، رامشیر) دارای میزان خالص مهاجرت منفی نسبتاً بالا هستند؛ چهار شهرستان (هویزه، اهواز، دزفول، بندر ماهشهر) دارای میزان خالص مهاجرت منفی کم هستند و تنها در شهرستان باوی میزان خالص مهاجرت مثبت است. بیشترین و کمترین میزان مهاجرت‌پذیری به ترتیب، متعلق به شهرستان امیدیه و شهرستان شادگان می‌باشد. میزان مهاجرت‌پذیری در شهرستان‌های امیدیه، بندر ماهشهر، اندیمشک، بهبهان، رامهرمز، اهواز و دزفول در سطح بالا، میزان مهاجرت‌پذیری شهرستان‌های آبادان، مسجد سلیمان، رامشیر، هفتگل، شوشتر، گتوند، خرمشهر و یاوی در سطح متوسط و میزان مهاجرت‌پذیری

طبق اطلاعات جدول فوق، ضریب همبستگی چندگانه (R) در این مدل برابر ۰/۷۱۰ می‌باشد که بیانگر شدت رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (مهاجرت‌پذیری استان خوزستان) تحقیق است. ضریب تعیین این آزمون برابر ۰/۵۰۴ و ضریب تعدیل شده آن برابر ۰/۱۸۶ می‌باشد که نشان می‌دهد ۱۸/۶ درصد از تغییرات مهاجرت استان خوزستان از طریق متغیرهای مستقل مورد بررسی ایجاد می‌شود. شاخص خطای معیار تخمین نیز عددی کوچک و برابر ۱/۵۷۱۳۷ به دست آمده که بیانگر پراکندگی اندک در داده‌های خام مورد آزمون است. در میان عوامل اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی در این پژوهش، جوانی جمعیت، یک تعیین‌کننده اجتماعی و بیکاری، یک تعیین‌کننده اقتصادی مهاجرت در استان خوزستان است. بعبارت دیگر صنعتی شدن/بودن استان موقعیت دوگانه‌ای را ترسیم می‌کند: از یک سو امکان اشتغال را فراهم کرده و مهاجرت‌پذیری را رواج می‌دهد اما از سوی دیگر به دلیل تفاوت‌ها و تعارض‌های فرهنگی و اجتماعی میان مهاجرین و ساکنین محلی و بومی، برخی از ساکنین به دلایل فرهنگی و اجتماعی و برخی به دلیل کاهش امکان اشتغال و عدم دستیابی به مسکن مناسب و ارزان، دست به مهاجرت زده و از شهر یا استان خود خارج می‌شوند.

همچنین نتایج آزمون‌های رابطه‌ای نشان می‌دهد:

افراد جوان بیشتر از افراد دیگر مهاجرت می‌کنند همچنین بین جنس و وضع مهاجرت رابطه معنادار وجود دارد، افراد متأهل بیشتر از مجردان مهاجرت می‌کنند. افراد بیکار بیشتر از شاغلین دست به مهاجرت می‌زنند. همچنین درصد مهاجران مهاجران دارای مدرک تحصیلی ابتدائی، دیپلم و کارشناسی بیشتر از سایر طبقات است.

می‌توان گفت که نابرابری بین شهرستانی از نظر توسعه ای بین شهرستان‌های استان خوزستان بسیار بالاست. که اثر خود برای میزان مهاجرت‌پذیری شهرستان‌ها به خوبی نشان می‌دهد. بطوریکه هرچه شهرستان‌ها کمتر توسعه یافته‌تر، احتمال مهاجرت بیشتر بوده است.

#### ۱۱- نتیجه‌گیری

مهاجرت در هر صورتی که باشد چه از سوی نخبگان و افراد فرهیخته و چه از سوی افراد جویای کار و آن‌هایی که به دنبال حداقل‌هایی از رفاه هستند علل و پیامدهای



فردی اعم از شهری یا روستائی بودن، شهرستان محل اقامت، نوع خانوار، رابطه با سرپرست خانوار، جنس، سن، وضع تاهل، نوع فعالیت، مدرک تحصیلی و داشتن یا نداشتن فرزند با مهاجرفرستی استان خوزستان ارتباط معنادار داشته و بر آن تأثیرگذارند.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های بارانی (۱۳۹۹)، رحیمی و همکاران (۱۳۹۸)، جهان مهین و کریمی (۱۳۹۷)، مهدویان و اسفندیاری (۱۳۹۵)، میرزامصطفی و قاسمی (۱۳۹۲)، هرا و بدر (۲۰۱۲)، لامونیکا (۲۰۱۰)، لور و همکاران (۲۰۰۹) و اندرسون (۲۰۰۲)، اثر معنادار متغیرهای کلان منطقه ای از جمله جوانی جمعیت، نرخ بیکاری و میزان شهرنشینی بر میزان مهاجر فرستی همسو می باشد.

عوامل اقتصادی و اجتماعی متعددی بر مهاجرفرستی مکان‌های جغرافیایی تأثیرگذارند. رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) عوامل اقتصادی را به عنوان مهم‌ترین محرک‌های مهاجرت بین استانی قلمداد کرده و بعد از آن، مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی اجتماعی، عامل طبیعی و زیست محیطی و اداری و خدماتی را پیش‌بینی کننده مهاجرت بین استانی در ایران می‌داند عدم وجود شغل و وضعیت اقتصادی نامطلوب ناشی از آن، از محرک‌های اصلی مهاجرت است [۱۹]. بیکاری به ویژه در مناطق روستایی، عامل اصلی مهاجرت است [۲۰، ۲۱].

شهرستان‌های هندیجان، ایذه، باغ ملک، لالی، شوش، هویزه، اندیکا، دشت آزادگان و شادگان در سطح کم می‌باشد. همچنین، بیشترین و کمترین میزان مهاجرفرستی به ترتیب، متعلق به شهرستان مسجد سلیمان و شهرستان باوی می‌باشد. این شهرستان‌ها را بر اساس میزان مهاجرفرستی می‌توان در سه دسته مهاجرفرستی متوسط، مهاجرفرستی زیاد و مهاجرفرستی خیلی زیاد سطح‌بندی نمود. بر این اساس، میزان مهاجرفرستی در شهرستان‌های مسجد سلیمان، ایذه، اندیمشک و باغ ملک در سطح خیلی زیاد، میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های آبادان، امیدیه، شوشتر، خرمشهر، هفتگل، بهبهان، راهرز، لالی، بندر ماهشهر، اهواز، گتوند، اندیکا، هندیجان، دزفول، رامشیر و شوش در سطح زیاد و میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های شادگان، دشت آزادگان، هویزه و یاوی در سطح متوسط می‌باشد. مقصد مهاجرتی قریب به ۴۴ درصد مهاجران استان خوزستان بوده و حدود ۵۶ درصد دیگر مهاجران به سایر استان‌های کشور مهاجرت کرده‌اند. همچنین، شهرستان آبادان مهاجرفرست‌ترین شهرستان این استان است.

نتایج حاصل از بررسی عوامل اثرگذار بر مهاجرفرستی استان خوزستان نیز، گویای آن است که در بین عوامل اقتصادی، فاکتور بیکاری، در بین عوامل اجتماعی، فاکتور جوانی جمعیت و در بین عوامل فردی، کلیه فاکتورهای

#### منابع

- gravity model. Financial and Economic Policy Quarterly, 1(3): 71-96.
4. Hashemi, Seyyed Lotfollah. (2021). Investigation of immigration in Khuzestan province. Statistics and Information Office of Tehran Governorate.
5. Educational research and planning organization. (2016). Khuzestan province. Tehran: Iran textbook publishing company. The seventh edition.
6. Center for Population and Housing Statistics 2015.
7. Lehsaizadeh, Abdul Ali (2016). Opinions on immigration. Shiraz: Navid Shiraz Publications.

1. Shahpari Thani, Daud and Hizbavi, Aziz. (2018). Studying the effect of immigration on Kash population growth in Khuzestan province during the period (1996-2011). Social Development Quarterly (formerly Human Development), 13(3): 145-162.
2. Hosseini, Qurban; Sadeghi, Rasool; Ghasemi Ardahai, Ali and Rostamalizadeh, Walialeh. (2017). Changes in the trends and patterns of internal migration in the provinces of Iran. Regional Planning Quarterly, 8(31): 1-18.
3. Mirza Mustafa, Seyyed Mehdi and Ghasemi, Parvaneh. (2012). Factors affecting provincial migrations using the

- International, 17(1), 133-150. doi:10.1016/0197-3975(93)90050-M
15. Mushfaq, Mahmoud and Hosseini, Qurban. (2012). Optimal population distribution and immigration policies in Iran: prioritizing global experiences from the perspective of Iranian experts. *Journal of General Studies*, 1(1): 9-31.
16. Abbasi Shawazi, Mohammad Jalal. (2016). Developments and population situation in the Islamic Republic of Iran. Tehran: Institute of Comprehensive and Specialized Population Studies and Management.
17. Mushfaq, Mahmoud and Khazaei, Masoumeh. (2014). An analysis of the characteristics and determinants of women's independent migration in Iran. *Women's Strategic Studies Quarterly*, 17(67): 124-85.
18. Mahmoudian, Hossein and Shahpari Thani, Daud. (2017). Identifying and prioritizing the factors affecting people's desire to migrate from Abadan using multi-criteria decision making techniques. *Quarterly Journal of Iranian Demographic Association*, 13(26): 118-89.
19. Rahimi, Akbar; Waezhi, Musa and Bakui, Madeh. (2018). Investigating and analyzing the immigration process and factors affecting it in Harris city. *Regional Planning Quarterly*, 9(34): 108-116.
20. Jahan Mohin, Majidreza and Karimi, Majidreza. (2017). Investigating factors affecting internal migrations and ways to register them. 11th International Conference of Psychology and Social Sciences, Tehran.
21. Rainy, rare. (2019). Investigating factors affecting migration from village to city in the border region of Sistan. *Sistan and Baluchistan Police Science Scientific Journal*, 11(34): 73-96.
8. Kolivand, Zahra. (2018). Investigating and analyzing rural migrations and its relationship with the formation of informal jobs with an emphasis on economic dimensions; Case example: Mohammadabad neighborhood of Qarchak city. Supervisor: Mohammad Salmani Moghadam. Master's Thesis, Geography and Urban Planning, Faculty of Geography and Environmental Sciences, Hakim Sabzevari University.
9. Naqdi, Asadallah (2013). Marginalization, theories, methods and case studies, critical evidence of sociologists.
10. Abbaspour, Saber. (2018). The effect of the special value of Qeshm city brand on citizenship identity and the desire to migrate and the quality of life of citizens. Supervisor: Vahid Makizadeh. Master's Thesis, Department of Management, Hormozgan University.
11. Ghanbari, Elham. (2015). Comparison of identity styles and stress coping styles between educated Iranian immigrants living in Australia and educated non-immigrants. Supervisor: Azizullah Tajik Esmaili. Master's Thesis, Department of General Psychology, Faculty of Psychology, Kharazmi University.
12. Paul Shaw, R. (1975). Migration theory and fact: A review and bibliography of current literature. New York: Regional Science Research Institute.
13. Mahmoudian, Sirajuddin and Mahmoudian, Hossein. (2017). The contexts of the family migration plan by immigrant women living in Tehran province. *Quarterly Journal of Iranian Demographic Society*, 13(25): 9-22.
14. Shefer D., & Steinvortz L. (1993). Rural-to-urban and urban-to-urban migration patterns in Colombia. *Habitat*



